

1918



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل

بررسی عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و مصر از ۲۰۰۶-۱۹۸۰

استاد راهنما:

دکتر علی امیدی

استاد مشاور:

دکتر حسین مسعودنیا

پژوهشگر:

محمد رضا صارمی

بهمن ماه ۱۳۸۶

کتابخانه اسناد و کتابخانه مرکزی
دانشگاه اصفهان

۱۳۸۶ / ۱۵ / ۲۸

۱۵۰۹۱۵



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل آقای محمدرضا صارمی

تحت عنوان

بررسی عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶

در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر علی امیدی با مرتبه ی علمی استادیار

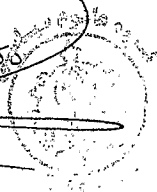
۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر حسین مسعودنیا با مرتبه ی علمی استادیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر جواد امام جمعه زاده با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر علی اکبر کجباف با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه

دکتر حسین مسعودنیا



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

تشکر و تقدیر

از استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر علی امیدی و استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر حسین مسعودنیا که با صبر و حوصله تمام در انجام این پایان نامه به من کمک کردند صمیمانه تشکر می کنم. همچنین از اساتید داور آقایان دکتر جواد امام جمعه زاده و دکتر علی اکبر کجباف که با درایت تمام به هر چه بهتر و پربارتر شدن این پایان نامه کمک نمودند کمال تشکر را دارم.

تقدیم به

پدر مهربانم

پسر عزیزم

روان پاک مادرم

و همسر عزیزم

و همچنین تمامی کسانی که در کسب علم و دانش مرا یاری

نموده اند.

چکیده

بی‌گمان بررسی و تحلیل روابط ایران و مصر به عنوان دو بازیگر متنفذ و مطرح منطقه‌ای در نظام بین‌الملل حائز اهمیت می‌باشد. این دو کشور با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود و همچنین قرار گرفتن در منطقه‌ی حساس و بحران‌خیز خاورمیانه نقش‌ی شگرف و تحول‌آفرین در تحولات جهانی و منطقه‌ای از جمله نزاع اعراب و اسرائیل ایفا کرده‌اند.

روابط دو کشور ایران و مصر از دوره‌های پیشین تاکنون دستخوش فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط دو کشور در دوره‌ی زمامداری جمال عبدالناصر در مصر بیشتر حالتی تقابلی داشته ولی در دوره‌ی انورسادات این روابط بیشتر حالت تعاملی و بر اساس اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است. ولی در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران، اساساً مصر به عنوان کشوری که با امضای قرارداد کمپ دیوید آرمان ملت فلسطین را به چالش کشیده است از طرف رهبران انقلاب ایران به عنوان خائن معرفی شد و به همین اعتبار، رژیم مصر مورد انزجار ایران قرار گرفت. حمایت آشکار ایران از قتل انورسادات رئیس‌جمهور - غرب‌گرای - مصر، آب سردی بود که بر روابط روبه‌سردی دو کشور پاشیده شد و عملاً دو کشور از لحاظ ایدئولوژیکی و سیاسی در برابر هم صف‌آرایی کردند. این روابط تنش‌آمیز تا اواخر دوران ریاست جمهوری حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی در ایران ادامه داشت، لکن با روی کار آمدن دولت اصلاح‌گرای خاتمی و پیشنهاد سیاست تنش‌زدایی، روابط دو کشور روبه‌بهبودی گرایید.

نکته‌ی مهم در بررسی و تحلیل روابط دو کشور ایران و مصر، نقش و جایگاه مهم دولت ایالات متحده‌ی آمریکا می‌باشد. آمریکا بطور سنتی بخصوص بعد از مرگ ناصر روابطی دوستانه با دولت مصر داشته و سالیانه چند صد میلیون دلار از طرف دولت آمریکا کمک‌های بلاعوضی به خزانه‌ی دولت مصر واریز می‌شود. اما ایران برخلاف مصر، بعد از انقلاب اسلامی یک نوع سیاست تقابل با غرب را در پیش گرفته و به همین جهت ایران و مصر هرگز نتوانسته‌اند بر سر موضوعات کلیدی در منطقه به نوعی به تفاهم و توافق برسند که البته آمریکا نقش عمده‌ای در به هم ریختن پایه‌های دوستی این دو کشور مهم و اثرگذار داشته است.

در این پژوهش سعی بر آن شده است که با بررسی و آنالیز مختصات و مؤلفه‌های تأثیرگذار و محوری در دو کشور مصر و ایران و همچنین واکاوی نقش دولت آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در ساختار بهم‌پیوسته و پیچیده‌ی نظام بین‌الملل به یک جمع‌بندی جامع و کامل در مورد روابط دو کشور در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ دست یابیم. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و چارچوب نظری مورد استفاده، مدل تحلیل سیاست خارجی جیمز روزنا می‌باشد.

واژگان کلیدی: عوامل همگرا، عوامل واگرا، تنش‌زدایی، سیاست خارجی، دوره‌ی خاتمی، گفتگوی تمدن‌ها.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....	۱
۲-۱- تعریف مفاهیم.....	۵
۱-۲-۱- عوامل همگرا.....	۵
۲-۲-۱- عوامل واگرا.....	۵
۳-۲-۱- تنش زدایی.....	۵
۴-۲-۱- سیاست خارجی.....	۶
۵-۲-۱- دوره خاتمی.....	۶
۶-۲-۱- گفتگوی تمدن‌ها.....	۷
۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....	۸
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۹
۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۹
۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۱۰
۷-۱- سؤال‌های تحقیق.....	۱۰
۸-۱- روش تحقیق.....	۱۰
۹-۱- ابزار گردآوری داده‌ها.....	۱۱
۱۰-۱- محدودیت‌های تحقیق.....	۱۱
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق.....	۱۱

فصل دوم: چارچوب نظری

مقدمه.....	۱۳
۱-۲- عوامل شکل دهی به سیاست خارجی کشورها.....	۱۴
۱-۱-۲- عوامل خارجی یا سیستم بین الملل و منطقه‌ای.....	۱۶
۲-۱-۲- محیط داخلی (عوامل ملی، اجتماعی، فرهنگی).....	۱۷
۳-۱-۲- منابع حکومتی.....	۱۷
۴-۱-۲- عوامل نقش.....	۱۸
۵-۱-۲- منابع شخصیتی (ویژگی‌های شخصیتی).....	۲۰
نتیجه گیری.....	۲۱

فصل سوم: تحولات تاریخی روابط ایران و مصر از آغاز تا ۲۰۰۵

مقدمه.....	۲۲
۱-۳ روابط ایران و مصر پیش از اسلام.....	۲۳
۲-۳ ایران و مصر پس از اسلام.....	۲۴
۳-۳ گسترش مناسبات ایران و مصر.....	۲۹
۱-۳-۳ ازدواج محمد رضا شاه با فوزیه.....	۲۹
۴-۳ مناسبات ایران و مصر در دوران جمال عبدالناصر.....	۳۲
۱-۴-۳ مصدق و انقلاب مصر.....	۳۲
۲-۴-۳ از واگرایی تا قطع روابط تهران - قاهره.....	۳۴
۵-۳ پیمان بغداد و دکترین آیزنهاور.....	۳۵
۶-۳ ملی کردن کانال سوئز.....	۳۷
۷-۳ ناصر و انقلاب ایران.....	۴۰
۸-۳ جنگ شش روزه و تأثیر آن بر روابط ایران و مصر.....	۴۱
۹-۳ مناسبات ایران و مصر در دوران انورسادات.....	۴۴
۱-۹-۳ دگردیسی در دوران سادات تا همگرایی با شاه.....	۴۴
۲-۹-۳ صلح کمپ دیوید.....	۴۹
۱۰-۳ حکومت انقلابی در ایران و موضع سادات.....	۵۱
۱۱-۳ مواضع سادات در برابر انقلاب ایران: شیعه و جنگ عراق علیه ایران.....	۵۴
۱۲-۳ مناسبات ایران و مصر در دوران ریاست جمهوری حسنی مبارک.....	۵۷
۱-۱۲-۳ جنگ ایران و عراق در زمان حسنی مبارک.....	۵۷
۲-۱۲-۳ تجدید روابط سیاسی غیر رسمی و محدود میان ایران و مصر.....	۶۰
۱۳-۳ دیدار خاتمی و حسنی مبارک: آغاز عادی سازی روابط.....	۶۵
نتیجه گیری.....	۶۶

فصل چهارم: تأثیر تحولات سیستم بین الملل بر روابط ایران و مصر

مقدمه.....	۶۹
۱-۴ بخش اول: عوامل فرامنطقه‌ای.....	۷۰
۱-۱-۴ ایران و مصر در دوران پیش از جنگ سرد.....	۷۰
۲-۱-۴ جنگ سرد و دگرگونی روابط ایران و مصر.....	۷۲
۳-۱-۴ تحولات بین المللی و آغاز تیرگی روابط.....	۷۳
۱-۳-۱-۴ پیمان بغداد.....	۷۴
۲-۳-۱-۴ دکترین آیزنهاور.....	۷۵

عنوان	صفحه
۳-۳-۱-۴- وحدت مصر و سوریه.....	۷۶
۴-۳-۱-۴- بحران اردن.....	۷۷
۵-۳-۱-۴- بحران لبنان.....	۷۷
۶-۳-۱-۴- روابط ایران و اسرائیل.....	۷۸
۷-۳-۱-۴- دکترین کندی.....	۷۸
۸-۳-۱-۴- دکترین نیکسون.....	۷۹
۹-۳-۱-۴- دکترین کارتر.....	۸۰
۱۰-۳-۱-۴- دکترین ریگان.....	۸۱
۱۱-۳-۱-۴- دکترین بوش پدر (نظم نوین جهانی).....	۸۱
۱۲-۳-۱-۴- دکترین بوش پسر (خاورمیانه بزرگ).....	۸۳
۱۳-۳-۱-۴- مخالفت آمریکا با نزدیکی ایران و مصر.....	۸۴
۲-۴- تأثیر تحولات سیستم منطقه‌ای بر روابط ایران و مصر.....	۸۷
مقدمه.....	۸۷
۱-۲-۴- بخش دوم: عوامل منطقه‌ای.....	۸۸
۲-۲-۴- جنگ ایران و عراق.....	۸۸
۳-۲-۴- کمک‌های مصر به عراق در جنگ.....	۸۸
۱-۳-۲-۴- فرستادن کارشناسان نظامی به عراق.....	۸۸
۲-۳-۲-۴- رفتن کارگران مصری به عراق.....	۸۹
۳-۳-۲-۴- فرستادن داوطلبان مصری به جبهه‌های جنگ.....	۸۹
۴-۳-۲-۴- ارسال جنگ افزار به عراق.....	۸۹
۴-۲-۴- حمله عراق به کویت و نزدیکی ایران و مصر.....	۹۰
۵-۲-۴- حمایت مصر از امارات متحده عربی.....	۹۱
۶-۲-۴- مصر و ترتیبات امنیتی خلیج فارس.....	۹۳
۱-۶-۲-۴- دیدگاه ایران در خصوص ترتیبات امنیتی ۶+۲.....	۹۳
۲-۶-۲-۴- دیدگاه مصر در خصوص ترتیبات امنیتی ۶+۲.....	۹۴
۷-۲-۴- سودان: کانون رقابت ایران و مصر.....	۹۵
۸-۲-۴- پیمان استراتژیک اسرائیل و ترکیه و نزدیکی ایران و مصر.....	۹۸
۹-۲-۴- تجدید روابط ایران و عربستان و نزدیکی ایران و مصر.....	۹۹
۱۰-۲-۴- بحران در روابط سوریه و ترکیه و نزدیکی ایران و مصر.....	۱۰۰
۱۱-۲-۴- ایران و مصر و مسأله فلسطین.....	۱۰۲
۱۲-۲-۴- کارشکنی اسرائیل در راه بهبود روابط ایران و مصر.....	۱۰۳

۱۰۵.....	۳-۴- بخش سوم: همکاری‌های منطقه‌ای: چارچوبی برای گسترش روابط ایران و مصر.....
۱۰۵.....	مقدمه.....
۱۰۶.....	۳-۴-۱- پیامدهای منطقه‌ای ناشی از ۱۱ سپتامبر چارچوبی برای توسعه روابط.....
۱۱۰.....	۳-۴-۱-۱- ایجاد نظم امنیتی نوین منطقه‌ای.....
۱۱۲.....	۳-۴-۱-۲- طرح از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی.....
۱۱۴.....	۳-۴-۱-۳- سازمان همکاری اقتصادی خاورمیانه.....
۱۱۷.....	۳-۴-۱-۴- گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب گروه «دی - ۸».....
۱۱۹.....	۳-۴-۱-۵- گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب «گروه ۱۵».....
۱۲۱.....	۳-۴-۱-۶- گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب «سازمان کنفرانس اسلامی».....
۱۲۳.....	نتیجه‌گیری.....
	فصل پنجم: تأثیر عوامل اجتماعی، ساختاری و شخصیتی بر روابط ایران و مصر
۱۲۵.....	مقدمه.....
۱۲۶.....	۵-۱-۱- بخش اول: تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر روابط ایران و مصر.....
۱۲۶.....	۵-۱-۱-۱- شاخص‌های فرهنگی ایران.....
۱۲۷.....	۵-۱-۱-۱-۱- هنر و فرهنگ ایرانی.....
۱۲۷.....	۵-۱-۱-۱-۲- نوروز و تقویم هجری شمسی.....
۱۲۸.....	۵-۱-۱-۱-۳- زبان پارسی.....
۱۲۸.....	۵-۱-۱-۱-۴- اسلام و تشیع.....
۱۲۹.....	۵-۱-۱-۲- شاخص‌های فرهنگی مصر.....
۱۳۰.....	۵-۱-۱-۳- روابط فرهنگی ایران و مصر.....
۱۳۳.....	۵-۱-۱-۴- زمینه‌ها و موانع روابط فرهنگی ایران و مصر.....
۱۳۴.....	۵-۱-۱-۵- زمینه‌های روابط فرهنگی ایران و مصر.....
۱۳۴.....	۵-۱-۱-۵-۱- جایگاه فرهنگی ایران و مصر.....
۱۳۵.....	۵-۱-۱-۵-۲- اسلام.....
۱۳۶.....	۵-۱-۱-۵-۳- تشیع.....
۱۳۸.....	۵-۱-۱-۵-۴- زبان فارسی و عربی.....
۱۳۹.....	۵-۱-۱-۵-۵- نهادهای دینی و دانشگاهی.....
۱۴۰.....	۵-۱-۱-۵-۶- مطبوعات و انتشارات.....
۱۴۱.....	۵-۱-۱-۶- موانع روابط فرهنگی ایران و مصر.....
۱۴۱.....	۵-۱-۱-۶-۱- ذهنیت منفی اعراب و ایرانیان نسبت به یکدیگر.....
۱۴۲.....	۵-۱-۱-۶-۲- اختلافات مذهبی.....

عنوان	صفحه
۱-۵-۳-۶-۱- ملی گرایي.....	۱۴۲
۱-۵-۴-۶-۱- فقدان گفتمان مشترک.....	۱۴۳
۱-۵-۵-۶-۱- صدور انقلاب و حمايت از گروه‌هاي اسلامي.....	۱۴۳
نتيجه گيري.....	۱۴۴
۲-۵-۲- بخش دوم: تأثير ساختارهاي حكومتي و نقشي بر روابط ايران و مصر.....	۱۴۵
مقدمه.....	۱۴۵
۱-۲-۵- ساختار سياسي ايران.....	۱۴۶
۲-۲-۵- سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران.....	۱۴۸
۳-۲-۵- اهداف سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران.....	۱۵۰
۴-۲-۵- ساختار تصميم گيري در سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران.....	۱۵۰
۱-۴-۲-۵- مقام رهبري.....	۱۵۱
۲-۴-۲-۵- رياست جمهوري.....	۱۵۱
۳-۴-۲-۵- هيأت دولت.....	۱۵۱
۴-۴-۲-۵- مجلس شوراي اسلامي.....	۱۵۱
۵-۴-۲-۵- شوراي عالي امنيت ملي.....	۱۵۱
۶-۴-۲-۵- شوراي نگهبان.....	۱۵۲
۷-۴-۲-۵- مجمع تشخيص مصلحت نظام.....	۱۵۲
۸-۴-۲-۵- قوه قضائيه.....	۱۵۲
۹-۴-۲-۵- وزارت امور خارجه.....	۱۵۲
۵-۲-۵- بررسي ساختار سياسي مصر.....	۱۵۳
۱-۵-۲-۵- قوه مقننه.....	۱۵۴
۲-۵-۲-۵- قوه مجريه.....	۱۵۴
۳-۵-۲-۵- قوه قضائيه.....	۱۵۵
۶-۲-۵- سياست مصر.....	۱۵۵
۷-۲-۵- روابط خارجي مصر.....	۱۵۶
نتيجه گيري.....	۱۵۷
۳-۵-۳- بخش سوم: تأثير فرد بر روابط ايران و مصر.....	۱۵۹
مقدمه.....	۱۵۹
۱-۳-۵- نقش امام خميني در روابط ايران و مصر.....	۱۶۱
۲-۳-۵- روابط ايران و مصر در دوره هاشمي رفسنجاني.....	۱۶۳
۳-۳-۵- روابط ايران و مصر در دوره خاتمي.....	۱۶۴

صفحه	عنوان
۱۶۵.....	۴-۳-۵- روابط ایران و مصر در دوره احمدی نژاد.....
۱۶۷.....	۵-۳-۵- روابط ایران و مصر در دوره انورسادات.....
۱۶۸.....	۶-۳-۵- روابط ایران و مصر در دوره حسنی مبارک.....
۱۶۹.....	نتیجه گیری.....
۱۷۰.....	نتیجه گیری.....
۱۷۳.....	پیشنهادات.....
۱۷۵.....	منابع و مأخذ.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی:

ایران و مصر، بعنوان دو کانون عمده تمدن اسلامی، از دیرباز دارای روابط ویژه ای بوده اند. به استناد شواهد تاریخی موجود، ارتباطات دو کشور در عرصه های مختلف به فراتر از ۲۵۰۰ سال پیش باز میگردد (جواهر کلام، ۱۳۲۰: ۹-۸).

آغاز این مناسبات را بایستی در دوران پس از فتح مصر به دست مسلمانان (قرن هفتم میلادی) تا زمان حاکمیت فاطمیان برمصر (قرن دهم میلادی) جستجو کرد (سادات عظیمی، ۱۳۷۵: ۲۰).

فاطمیان که پیرو مذهب اسماعیلیه بودند ریشه ایرانی داشتند. بنیانگذار سلسله فاطمی سعید نواده عبدالله میمون از اهالی اهواز بود که در سال ۹۰۹ میلادی به شمال آفریقا مهاجرت کرد و با کمک پیروان فرقه اسماعیلی سلسله "اغلبی" در شمال آفریقا را سرنگون کرد و خلافت فاطمی را پایه ریزی کرد. فاطمیون که دولت خود را در تونس تأسیس کردند در سال ۹۶۹ میلادی مصر را فتح کردند و از آن پس مرکز حکومت فاطمی به مصر منتقل شد (کدیور، ۱۳۷۳: ۲۱).

اگر چه مناسبات باستانی پیش از اسلام این دو کشور را نباید از نظر دور داشت. اما ایرانیان که در تأسیس فرقه اسماعیلی و فاطمی در مصر نقش تعیین کننده ای داشتند به حمایت از فاطمیان و تبلیغ و اشاعه مذهب اسماعیلی همت گماردند. در این دوره حسن صباح در زمان هشتمین خلیفه فاطمی به مصر سفر کرد و به مدت یک سال و نیم در آنجا اقامت کرد (پاک آیین، ۱۳۷۳: ۶).

در قرون معاصر سفر سید جمال الدین اسدآبادی به مصر در سال ۱۸۷۹ میلادی به تعالی افکار و تبادل نظر بین علمای ایران و مصر کمک شایانی کرد و زمینه همکاریهای علمی- فرهنگی را بین دو دولت فراهم کرد. اندیشه های نوین اسلامی و جنبش اصلاحی اسلامی در نتیجه اقامت سید جمال در مصر و در سایه همکاری او با متفکرین مصری مانند محمدعبده و رشید رضا تکوین یافت. سید جمال با کمک محمدعبده دست به اقدامات فرهنگی، از جمله انتشار عروه الوثقی، در مصر علیه استعمار انگلیس زد (تکیه ای، ۱۳۷۵: ۳۵). در دوران صفویان، افشار و قاجار، رابطه ایران با مصر تحت الشعاع ارتباط با امپراتوری عثمانی- که خاک مصر جزو قلمرو آن بود- قرار داشت (نادرپور، ۱۳۸۱: ۱).

در واقع نخستین پایه های مناسبات سیاسی میان ایران و مصر به مفهوم امروز از میانه دوره قاجار شکل گرفت. چند سال پس از بسته شدن پیمان ارزروم در قرن ۱۹ میان ایران و عثمانی، اولین کنسولگری ایران در مصر گشوده شد. در زمان حکومت پهلوی اول، ازدواج محمد رضا پهلوی با فوزیه - خواهر ملک فاروق پادشاه مصر- در تحکیم روابط میان دو کشور مؤثر افتاد. پس از تحکیم پایه های حکومت پهلوی دوم و تصمیم وی مبنی بر پیوستن ایران به پیمان بغداد، نخستین نشانه های بروز خصومت در روابط شاه و جمال عبدالناصر نمایان شد. بحران کانال سوئز، گسترش ناسیونالیسم ناصری و شناسایی دوقاکتوی اسرائیل از سوی ایران، منجر به قطع روابط دو کشور ایران و مصر شد (مهدوی، ۱۳۶۸: ۳۵).

اما مرگ زود هنگام ناصر، مشکلات فزاینده اقتصادی و شکست های پی در پی مصر در جنگ با اسرائیل، باعث شد که انور سادات به ایالات متحده روی آورد. در زمان انور سادات، روابط ایران با مصر در عرصه های گوناگون بهبود یافت و آنان به دو متحد منطقه ای آمریکا مبدل شدند و شاه ایران از امضای پیمان کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل پشتیبانی کرد (Ramazani, 1986: 15).

سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ شاهد گسترش بیش از پیش دوستی ایران و مصر هستیم. در این دوره ۹ ساله، دوستی و اتحاد استراتژیک در روابط دو کشور حاکم بوده است. از سال ۱۹۷۲ به بعد ایران و مصر در اغلب مسائل جهانی و خاورمیانه ای اتفاق نظر داشتند (احمدی، ۱۳۷۹: ۷). همچنین ایران به یکی از شرکای اقتصادی و سیاسی مصر در اواسط دهه ۱۹۷۰ تبدیل شد (Sakal, 1980: 167-168).

با روی کار آمدن انورسادات، سیاست های مصر در عرصه خارجی تا حدود زیادی به موضع گیری های رژیم شاه نزدیک شد که روی گردانی سادات از بلوک شرق به سمت بلوک غرب و در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مبتنی بر "بازار آزاد" از آن جمله است. سادات پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سیاست سازش و همکاری با اسرائیل را دنبال کرد. مناسبات ایران و مصر پس از این جنگ، با اعلام آمادگی ایران برای همکاری در بازسازی مصر و افزایش تماس های دو جانبه به اوج خود رسید (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

شاه ایران از سیاست سادات در زمینه رفع بحران خاورمیانه از راه سازش با اسرائیل، حمایت همه جانبه نمود و در واقع گسترش روابط بازرگانی و تجاری دو کشور، به منزله حمایت مادی از این سیاست بود. در تاریخ معاصر، روابط شاه و سادات - دو عنصر وابسته امپریالیسم غرب - عصر طلایی مناسبات تهران - قاهره به شمار می آید. از طرفی پرداخت وام های کلان از سوی حکومت شاه به مصر، انعقاد قراردادهای گوناگون صنعتی، تجاری و سرمایه گذاری های مشترک در عرصه های مختلف جهانگردی و انرژی، جملگی از گرمی روابط ایران و مصر حکایت می کرد. البته آمریکا از شاه برای ترغیب سادات جهت گشودن باب مذاکرات مستقیم با اسرائیل بهره برداری کرد (هاشم، ۱۳۷۲: ۷۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وقوع حوادثی چون امضای پیمان صلح با اسرائیل توسط مصر - که از چشم انداز رهبران ایران به مثابه خیانت به آرمان فلسطین تلقی می شد - و پذیرش شاه مخلوع ایران از سوی انورسادات در تیرگی روابط میان دو کشور نقش عمده ای را ایفا کرد. به گونه ای که انورسادات رئیس جمهور مصر بلافاصله پس از امضای قرارداد کمپ دیوید دکترین امنیت ملی را تغییر داد و عمده ترین تغییر این بود که اسرائیل دیگر تهدید اصلی محسوب نمی شد و کشورهای ایران، لیبی و سودان به تهدیدات عمده علیه مصر تبدیل شدند (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

با ترور انورسادات توسط خالداسلامبولی و نامگذاری یکی از خیابانهای تهران به نام این شخص، شاهد تیره تر شدن هر چه بیشتر این روابط بودیم و بعد از این جریان، شروع جنگ عراق علیه ایران و حمایت دولت مصر از عراق در زمان حسنی مبارک و شعارهای پان عربیستی و بعثیسم صدام، هر چه بیشتر فاصله میان قاهره و تهران بیشتر شد. بعد از اتمام جنگ اول خلیج فارس^۱ و بلافاصله آغاز بحران دوم خلیج فارس^۲ و حضور گسترده نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده در منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و شکست دولت به اصطلاح شرق

۱ - سال های پایانی جنگ ایران و عراق

۲ - حمله آمریکا به عراق پس از تصرف کویت توسط صدام.

دروازه عربی (عراق)، ما شاهد نفوذ مصر در منطقه خلیج فارس و پیوستن به ترتیب امنیتی ۲+۶ به همراه سوریه بودیم که این خود نشان از علاقه مندی دولت مصر به این منطقه است. ولی با انحلال این سیستم، یک دوره نقش خنثی مصر در منطقه خلیج فارس و از طرف دیگر نقش فعال قاهره در قراردادهای صلح مادرید، اسلو و کمپ دیوید ۲ شاهد هستیم که حضور قاهره در این گفت و گوها باعث سردی بیشتر روابط این کشور با ایران شد. سیاست خارجی مصر مستقیماً تحت تأثیر حزب دموکرات ملی این کشور است. این گروه تکنوکرات های طرفدار غرب و خود شخص حسنی مبارک، منافع ملی مصر را در رأس هرم قرار داده اند و نزدیکی به غرب و اسرائیل را جزو موازنه مثبت و پارادایم در سیاست خارجی خود قلمداد می کنند. نفوذ اقتصادی و سیاسی واشنگتن و کمکهای نظامی این کشور به مصر و همچنین موافقتنامه های تجاری سه گانه اسرائیل، مصر، آمریکا نیز یکی از دلایل این روابط سرد با ایران است (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۱).

از جمله عوامل مهم داخلی در ایران که تأثیر بسیار زیادی در رابطه با تغییر نگرش جهان و اعراب بویژه مصری ها به ایران داشت، انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن سید محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهوری ایران بود. ابتکارات خاتمی در عرصه داخلی، یعنی تأکید بر آزادیهای مدنی و اصلاحات سیاسی- اقتصادی از یک سو و سیاست خارجی وی در رابطه با تنش زدایی در روابط ایران با جهان خارج از سوی دیگر، از برجسته ترین تحولات ایران پس از انقلاب بوده است ولی روابط دو کشور در این دوره هم کاملاً حسنه و دوستانه نگردید و دو کشور کماکان دچار تنش روابط هستند و هنوز دو کشور رابطه دیپلماتیک در حد سفارت و مبادله سفیر برقرار نکرده اند. برگزاری اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران و ریاست خاتمی بر آن، با استقبال گسترده اعراب بویژه مصریها مواجه شد. شخصیت خاتمی و سیاست های او به اندازه ای برای روشنفکران و سیاستمداران مصری جذاب بوده است که بارها از ضرورت ملاقات خاتمی و حسنی مبارک سخن گفته اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۰). با این وصف، تنشهای سیاسی کماکان بر روابط دو کشور سایه انداخته است.

این پژوهش در صدد است تا بر اساس مدل تجزیه و تحلیل سیاست خارجی "جیمز روزنا"^۳ که شرح آن در روش تحقیق خواهد آمد به تحلیل روابط ایران و مصر در دوره ریاست جمهوری خاتمی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ بپردازد و مؤلفه های همگرایی در روابط دو طرف و همچنین موانع همگرایی بین ایران و مصر را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۳ - اعضای شورای همکاری خلیج فارس همراه با سوریه و مصر.

۴ - James N. Rosenau

۱-۲- مفاهیم و واژه‌های کلیدی

۱-۲-۱- عوامل همگرا (Integrating Factors): مجموعه عواملی که موجب نزدیکی و

دوستی در روابط دو کشور می‌گردد. همچنین عنوان نظر یا تزی مبنی بر این که جوامع سرمایه داری و سوسیالیست به دلیل گسترش روز افزون علوم و فنون، تقسیم کار، صنعتی شدن، سازمان یافتگی، برنامه ریزی و مدیریت در آنها به تدریج با یکدیگر تشابه می‌یابند و در نقطه مشترکی با هم متقارب می‌شوند (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

۱-۲-۲- عوامل واگرا (Disintegrating Factors): زمینه‌ها و مجموعه عواملی که موجب

تنش و دوری بین دو دولت می‌گردد. همچنین واگرایی به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌المللی گفته می‌شود که موجب دوری آنها از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های بحران و جنگ می‌گردد. در واگرایی متغیرهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی نظام بین‌المللی و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۵۹۸).

۱-۲-۳- تنش زدایی (Detent): به معنای از میان برداشتن حالات مخاصمه، درگیری و تشنج

در سیاست جهانی بخصوص بین ابر قدرتها و قدرتهای بزرگ می‌باشد. تنش زدایی اصطلاحی است که از دهه ۱۹۶۰ در عرف بین‌الملل و بخصوص در روابط دو ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا و شوروی رایج شده است (جاسمی، ۱۳۵۷: ۲۳۲).

تنش زدایی در دوره‌هایی مورد استفاده قرار گرفت که در آن تنش در روابط میان ایالات متحده و اتحاد شوروی طی جنگ سرد کاهش می‌یافت. تنش زدایی با فرآیند و پیشرفت کنترل تسلیحاتی ارتباط نزدیک داشته و عمده‌ترین دوره تنش زدایی از پیمان منع آزمایش جزئی در ۱۹۶۳ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ یعنی تا زمانی طول کشید که در اثر تهاجم شوروی به افغانستان و دوره مجدد تنش میان ابرقدرتها، انعقاد توافق سال ۲ به سرانجام نرسید. با رسیدن گورباچف به رهبری اتحاد شوروی در اواسط دهه ۱۹۸۰، تنش زدایی احیاء شد، اما با پایان جنگ سرد این اصطلاح دیگر استفاده نمی‌شود. گرچه تنش زدایی بیشتر با جنگ سرد همراه است، اما جایگاهی اصیل دارد و می‌تواند برای توصیف هر گونه تخفیف تنش در روابط دولت‌های متخاصم استفاده شود (مک‌لین، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

۱-۲-۴- سیاست خارجی (Foreign Policy): مجموعه ای از اهداف، جهت گیریها، روشها و

ابزارهایی که یک دولت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین المللی به منظور دست یابی منافع ملی دنبال می کند. هدف سیاست خارجی بر این است که بر رفتار و کردار سایر کشورها و نتیجتاً بر کل نظام بین المللی اثر بگذارد، ضمن اینکه متقابلاً از محیط خارجی تأثیر پذیرمی باشد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۸-۷).

سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است. بر این مبنا نظام سیاسی از لحاظ ساختاری و رفتاری می تواند نقش مؤثری در شیوه تبیین منافع، استراتژی ها و هدف ها ایفا می کند. بر طبق نظر ریمون آرون، سیاست خارجی دولت ها خود حاصل فعل و انفعال جامعه داخلی است. اما شبکه ای از ارتباطات به هم فشرده نیز در سطح جهان به وجود می آورد که موجب همبستگی یا روابطی غیر از آنچه دولت ها درگیر آن هستند، می شود (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۳۵۹).

۱-۲-۵- دوره خاتمی (Khatami Era): آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶ به ریاست جمهوری انتخاب

شد و رؤس سیاست خارجی خود را تنش زدایی، همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای عربی و اسلامی، ایجاد همگرایی در سازمان کنفرانس اسلامی و تعامل با اتحادیه عرب، بالاخص کشورهای عربی و اسلامی در مناقشات و بحرانهای بین المللی و منطقه ای از جمله بحران فلسطین، تثبیت قیمت نفت در بازارهای جهانی، تروریسم و روابط آن با اسلام اعلام کرد.

سیاست "تنش زدایی" که از سوی آقای خاتمی به عنوان راهبرد روابط بین المللی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده است؛ در پی ایجاد "توازن جدید" در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه می باشد تا بر اساس آن از روابط دو جانبه بتوان به ائتلاف های منطقه ای دست یافت. ائتلافی که ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن نه تنها در راستای منافع ملی کشورهای مسلمان منطقه قرار خواهند گرفت، بلکه با درک موقعیت کنونی جهان و حرکتی که در پی سیاست "توسعه نفوذ" رژیم صهیونیستی، به خصوص از جانب آمریکا در منطقه خاورمیانه می باشد، موجب قدرتمندی دولت ها در کشورهای مسلمان خلیج فارس و منطقه خاورمیانه خواهد شد. اگر مصر در پیچه مناسب ارتباطات با آفریقا و حوزه مدیترانه باشد، می تواند از طریق ایران اسلامی، پل ارتباطی به آسیای مرکزی و کشورهای منطقه وسیع قفقاز ایجاد کند. از سیاست تنش زدایی می توان دیپلماسی فعالی را طراحی و استخراج کرد که منطقه وسیع شمال آفریقا تا حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی را در بر گیرد و قدرتمندترین کشورهای اسلامی به لحاظ موقعیت جغرافیای سیاسی، منابع عظیم انرژی و ذخائر غنی دیگر

دانش و فن آوری، نیروی انسانی و جمعیت، تنوع محیط زیست و منابع آبی و ... در چنین ائتلافی قرار داشته باشند (قاسم زاده، ۱۳۷۹: ۹۱).

۱-۲-۶- گفتگوی تمدنها (Dialogue among Civilizations): این دیدگاه قبلاً توسط

فیلسوف نئومارکسیست به نام "یورگن هابرماس"^۵ به نوعی در قالب نظریه کنش ارتباطی یا عقلانیت تفاهمی اعلام شده بود، ولی خاتمی با الهام گیری از همین نظریه، به صورتی واضحتر و کاملتر جزئیات چنین دیدگاهی را در سال ۲۰۰۰ معرفی کرد و به دلیل استقبال محافل بین المللی، سال ۲۰۰۱ بنام سال گفتگوی تمدنها از طرف سازمان ملل معرفی شد. لازم بذکر است که تز گفتگوی تمدنها آلترناتیو و بدیلی برای نظریه برخورد تمدنهای «ساموئل هانتینگتون»^۶ فیلسوف نومحافظه کار آمریکایی است که او برخلاف آقای خاتمی، قرن جدید را قرن برخورد و نزاع بین ملتها و فرهنگها و بالاخص فرهنگ اسلامی معرفی کرده بود.

پیشنهاد گفتگوی تمدنها ابتدا در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران (۱۳۷۶) توسط سید محمد خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران و سپس در دوازدهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در دوربان آفریقای جنوبی (۱۹۹۸) و در سپتامبر همان سال در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک مطرح شد. کمیته عمومی ملل متحد در جلسه ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ به اتفاق آراء پیشنهاد ایران را در دستور کار اجلاس قرار داد و سرانجام در ۴ نوامبر و به اتفاق آراء، سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال گفتگوی تمدنها تصویب کرد (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۴۹۷).

۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

در زمینه روابط ایران و مصر آثار زیادی به زبانهای فارسی، انگلیسی، و عربی تدوین شده است که در اینجا برخی از آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

هوشنگ مهدوی (۱۳۷۳) نیز با اشاره به تفاوت‌های دیدگاهی ایران و مصر در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه، معتقد است که این عامل منجر به یکسانی دیدگاه‌ها ایران و مصر در قبال بلوک‌های قدرت و ماهیت نظام بین‌المللی شد و این زمینه را برای تبدیل دشمنان سابق به متحدان آینده فراهم ساخت. از نظر نویسنده مزبور، از سال ۱۹۷۲ به بعد ایران و مصر در اغلب مسایل جهانی و خاورمیانه‌ای اتفاق نظر داشتند. سادات

⁵ -Jurgen Habermas

⁶ -Samuel.P.Huntington